

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۹

کشورهای عربی در این باره می گویند: "این اقدام در واقع نشانگر شل کردن پیچ سوریه است."

از زمانی که آمریکا به عراق حمله کرد، از این که همکاری و حمایت سوریه را نتوانست جلب کند، سخت دل آزده و تحقیر شده گشته بود. اما جناحهای "پراگماتیست" در دولت بوش که شامل وزارت خارجه و سازمان سیا و برخی از فرماندهان نظامی هستند، معتقد بودند که اسد به تدریج با آمریکا کنار آمده و همکاری خواهد کرد و چنانچه آمریکا در صدد فرو پاشیدن دولت او باشد، نتیجه معکوس خواهد گرفت.

در ماه دسامبر، رسانه های معتبر آمریکایی اعلام کردند که سوریه به مقاومت عراق کمک می کند و از جانب برخی از صاحب نظران نو محافظه کار، راههای متعددی برای مقابله به این کشور را منتشر کرده بودند که از جمله، حمایت نیروهای ضد سوریه در لبنان را دربر می گرفت.

گروه های طرفدار سوریه در لبنان که شامل حزب الله لبنان نیز می شود، روز یکشنبه ۶ مارس، مخالفت خود را با خروج نیروهای سوریه ابراز داشتند. سید حسن نصرالله، رهبر حزب الله لبنان، پس از برگزاری یک گرد همایی با اعضای این جریان، مخالفت خود را با فراخوان ۱۵۵۹ سازمان ملل مبنی بر خروج نیروهای سوریه اعلام کرد. او گفت، "لبنان هنوز در حالت جنگی با اسرائیل است" و تهدید کرد که گروههای طرفدار سوریه در بیروت، در حمایت از این کشور دست به تظاهرات خواهند زد.

با این که چند صد هزار نفر در این تظاهرات شرکت کردند اما نتوانستند در برابر تظاهراتی که در پی آن طرفداران آقای حریری و خروج سوریه از عراق برگزار کردند، همپایی کنند.

قتل رفیق حریری و تحولاتی که پیامد آن رخ داد و یا در راه است، بیانگر آن است که جنگ آمریکا در عراق، پایان تهاجمات این کشور در خاورمیانه نیست. چه آمریکا در ایجاد این بحران دست داشته باشد یا نه، واضح است که به آسانی می تواند بروز هر بحرانی را به عاملی برای تغییر و تحولات بزرگی در این منطقه تبدیل کند. مردم خاورمیانه که برای آزادی و دموکراسی واقعی مبارزه می کنند، بایستی هوشیارانه با این سیاستها و فریبکاریها برخورد کرده و وطن خود را از چاله به چاه نیافکنند.

## باز گشت به اندونزی

با کم رنگ شدن تدریجی خبرها پیرامون مسایل مربوط به فاجعه سونامی در رسانه های خبری، واشنگتن و جاکارتا دست به کار شده و با سود جویی از این رویداد، در امر بازسازی پیوندهای نظامی خود فعال گشته اند.

حکومت اندونزی، دوست و متحد دیرینه آمریکا، بیش از یک دهه به خاطر خشونت ارتش در سرکوب و نقض حقوق بشر، تحت تحریم نظامی ایالت متحده آمریکا قرار داشت. اما پس از ۱۱ سپتامبر، این کشور اعلام کرد، در جنگ "علیه تروریسم" که بوش به راه انداخته بود، شرکت خواهد کرد.

استقرار یک حکومت "مدره اسلامی" که با یاری دوستان در پنتاگون به سرانجام رسید، دولت بوش را چندان ذوق زده کرده که این کشور را "بزرگترین دموکراسی جهان اسلام" خواند. آقای پال ولفویتز، معاون وزیر دفاع آمریکا و سفیر سابق این کشور در اندونزی که از دوستان نزدیک دیکتاتور سابق سوارتو نیزومی باشد، به ستایش اندونزی در "پیمودن راه دشوار دموکراسی" پرداخت.

در همین حال، دلایلی که در ابتدا به خاطر آن تحریم نظامی این کشور اعمال شده بود، نادیده گرفته شده و به زیر فرش جارو می شود. دولت اندونزی همچنان به روشهای گذشته خود ادامه داده و با این که سرکوب و خشونت از جانب نیروهای ارتشی قطع نشده اما همچنان مصونیت سربازان همچنان از مجازات جرمهایی که مرتکب می شوند، برجا مانده است.

رئیس جمهور اندونزی، سوسیلو بامینگ پوهویونو، دست پروده آکادمی نظامی آمریکا، تحریم نظامی واشنگتن رادلیلی بر عدم توانایی در رساندن کمک به موقع به قربانیان فاجعه سونامی شمرده و ادعا می کند که اگر اندونزی ارتش قویتری داشت، به نحو بهتری می توانست عمل کند.

از هنگام رویداد ۱۱ سپتامبر تاکنون، اندونزی به بهانه جنگ با تروریسم سالانه ۸۰ میلیون دلار کمک دریافت کرده است. این کمک که به منظور اجرای طرح پنتاگون به نام "برنامه کمکهای ضد تروریسم" صورت گرفته، صرف مسلح کردن و آموزش تیمهای پلیسی برای آنچه که به ظاهر مبارزه با تروریسم خوانده می شود، شده است.

سوالی که پیش می آید این است که کمک به ارتش اندونزی چگونه می تواند کمک به مردم این کشور باشد، با در نظر گرفتن این که قبل از وقوع سونامی در این منطقه، بدترین فاجعه انسانی خشونت ارتش نسبت به مردم بود؟ در دو دهه گذشته، ۱۲ هزار نفر بدست سربازان این کشور کشته شده اند و هزاران نفر آواره و رانده از شهر و دیار خود گشته اند.

اولین گام آمریکا به سوی برداشتن تحریم علیه اندونزی، فروختن قطعات

یدکی هواپیمای آمریکائی C-130 به این کشور بود. در این رابطه، خانم رایس، وزیر خارجه آمریکا گفت که تنها تعلیم و آموزش سربازان اندونزی هدف آمریکا است.

آخرین باری که هواپیمای باری C-130 بر فراز مناطق سونامی زده پرواز کردند، برای عملیات جنگی بود. در سال ۱۹۸۰، در پاسخ به جنبش استقلال طلبانه منطقه آسه، ارتش این کشور برای یک دهه این منطقه را اشغال کرد و به قتل عام، تجاوز، شکنجه و ربودن هزاران نفر از مردم دست زد. آمریکا که بزرگترین حامی و تعلیم دهنده ارتش اندونزی تا دهه ۱۹۹۰ بود، سلاحهای اشغالگران را تامین می کرد.

در سال ۲۰۰۳، جاکارتا با فرستادن بیش از ۴۵ هزار سرباز، حملات جدیدی را در آسه آغاز کرد. کشتیهای نظامی و هواپیمای نظامی باری با هدف "ضربه زدن و فلج کردن" نیروهای جدایی طلب مشغول کار شدند. سلاحهای آمریکایی اینجا هم نقش قابل توجهی را به عهده داشت. چتربازان مهاجم از هواپیمای C-130 به این جزیره فرود آمدند و آنرا اشغال کردند و این آغاز حضور قدرتمند ارتش اندونزی در این منطقه بود.

با سابقه ای که ارتش اندونزی در میان مردم دارد، به سختی می تواند آنان را با ادعای کمک رسانی به قربانیان سونامی فریب دهد و یا اینکه به آنها بقبولاند، تغییر در رفتار ارتشها بوجود آمده است. همزمان با امداد رسانی سربازان آمریکایی و استرالیایی و نیروهای استقلال طلب به مردم، سربازان اندونزی آوارگان را متهم به دزدیدن مواد غذایی و غیره می کنند و از رساندن کمک به افرادی که گمان ببرند از اعضا یا حمایت کنندگان نیروهای استقلال طلب هستند، خود داری می کنند.

اگر چند دولت اندونزی و استقلال طلبان آسه مذاکراتی داشته اند اما تنها حاصل آن قرار بر مذاکرات بعدی بوده است. به ویژه آن که اکنون دولت اندونزی با پولهای کلانی که برای کمک به مناطق سونامی زده به چنگ آورده است، سخت تر به پای میز مذاکره می رود.

دولت بوش در پاسخ به درخواست اندونزی برای کمکهای نظامی می گویند: "اندونزی نشان داده است که با تروریستها و تندروهای خشونت گرا به خوبی مبارزه کرده است." این در صورتی است که پرونده ارتش اندونزی نزد مردم این کشور و گروه های حقوق بشری بسیار سیاه است. تحریم نظامی اندونزی، نخست در سال ۱۹۹۲، پس از قتل عام جدایی طلبان تیمور شرقی توسط ارتش این کشور صورت گرفت. قبل از آن، آمریکا ۸۰۰۰ سرباز اندونزی و ژنرال بازنشسته یوهویونو مکه، رئیس جمهور فعلی این

کشور را تحت آموزش نظامی قرار داده بود.

پس از تهاجم و خشونت بی رحمانه ارتش این کشور در تیمور شرقی علیه استقلال طلبان، دولت کلینتون تمامی روابط نظامی با اندونزی را قطع کرد. یک سری شرایط هم از جانب کنگره آمریکا در برابر این کشور در ازای از سرگیری رابطه قرار داده شد که از جمله محاکمه و مجازات کسانی که دست به این خشونت زده بودند را در برمی گرفت. اما تنها تعدادی از آنان که مستقیماً در این اعمال دست داشتند محاکمه شدند و رهبران و فرماندهان دست نخورده باقی ماندند.

روز ۲۶ فوریه، وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که پنتاگون اقدام به از سرگیری آموزش سربازان ارتش اندونزی خواهد کرد. اگر چه برداشتن این سد برای آمریکا مخارجی را ببار نمی آورد اما تعلیم و آموزش سربازان همواره از مهمترین اشکال نفوذ آمریکا در ارتش اندونزی بوده است. بروز ناآرامیهای سیاسی در اندونزی اینک واشنگتن را به گسترش نفوذ خود در این کشور وا داشته است.

وزیر خارجه آمریکا خانم رایس، نقش بسزایی در برقراری رابطه با ارتش اندونزی را بعهده داشته است. از سال ۲۰۰۰ و ورود بوش به دولت آمریکا، این خواست که پیوندهای آمریکا و ارتش این کشور که سابقه کودتای خونین سالهای ۱۹۶۵-۶۶ که همکاری سازمان سیا و به قدرت رسیدن دیکتاتور سوارتو را دارد، پیگیری شده است.

یوهو یونو که یک ژنرال رده بالا در دیکتاتوری سوارتو بود و نقش بسزایی در سرکوبهای ارتش این کشور دارد، بعدها به مقام وزارت رسید. او برای ایجاد تغییراتی که مورد قبول آمریکا واقع گردد، تلاش زیادی به خرج داد. البته مخالفت آمریکا با سوارتو هرگز به دلیل حکومت سرکوبگرانه او نبود بلکه، ریشه در سدهای ایجاد شده در برابر سرمایه گذاران داشت.

رایس و ولترفر معتقدند که انتخاب یوهو یونو نشان از بازگشت دموکراسی در اندونزی است. این ادعای فریبکارانه بیشتر بدین دلیل است که کاخ سفید روی ارتش اندونزی برای حضور قوی تر در جنوب شرقی آسیا بسیار حساب می کند. از این رو، دولت بوش پس از رویداد ۱۱ سپتامبر، به نام "مبارزه با تروریسم"، برای لغو تحریم نظامی که کلینتون آغازگر آن بود تلاش کرده است. سونامی اگر چه برای مردم اندونزی به فاجعه ای دو جانبه تبدیل گشته است اما برای امپریالیسم آمریکا نعمتی شد که بتواند شعاع نفوذش را بیش از گذشته گسترش دهد.